



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



26/08/2024

محمد صالح گردش

## تازه تر و تازه تری می رسد

اهدا به دوست عزیز و مشفق سردار عبدالوهاب خان

قوانین حاکم به جهان بسیار عادلانه و دقیق و زیباست، از همه اول اینکه همه چیز به جایش ثابت و پابرجا نمی ماند و تمام پدیده های هستی بدون توقف در حال تغییرات کمی و کیفی اند. یک شی در همین لحظه شیئی یک ثانیه قبل و حتی شیئی یک هزارم و ده هزارم و یک میلیاردم ثانیه ماقبل نیست. من اندیشه ها و باورهای فلسفی "فردریش هگل" فیلسوف آلمانی را به استثنای چند مقاله اش مطالعه نکرده و نمی دانم. آنچه از عمق اندیشه های فلسفی هگل می دانم همش از لابلای نوشته های در باره مکتب ماتریالیسم دیالکتیک است که بانی اش "کارل مارکس" بود. پس اگر هگل بنا به گفته مارکسیست ها از موجودیت اشیا طبیعت انکار می ورزیده -چنانکه از همین زاویه طرف نقد و انتقاد مارکسیست ها نیز قرار دارد- پس اندیشه فلسفی هگل چه بجا و زیبا و معقول بوده است زیرا وقتی یک شی و هم تمام اشیا محول ما در جهان هستی بدون وقفه در تغییر و تبادل لاینقطع قرار دارند بنابراین یک شیئی یک ثانیه قبل، شیئی یک لحظه بعد نخواهد بود و از لحاظ کمی و کیفی یا ظاهر و محتوا تغییرات و تحولات همه جانبه به آن وارد آمده است. از همین جاست که بشر در نهایت امر به جوهر حقیقت هستی دست نخواهد یافت، زیرا به آنچه می خواهد برسد از دور می ماند و فاصله پیدا می کند. اگر هگل از موجودیت اشیا در طبیعت انکار می ورزیده است، من نیز با این باوری که مرتبط به جهان هستی دارم، موجودیت اشیا را قسمیکه تا امروز در ذهن ما تلقین و القاء و تداعی گردیده است باور ندارم. برعکس نیز اگر اشیا را در حال ثبات و بدون تحرک و تغییر و تبادل در نظر بگیریم، باز هم هستی بدون تحرک و تبادل غیر قابل باور است. علامه اقبال در مورد جوهر هستی و زندگی چه زیبا و عمیقانه می گوید:

"هستم اگر می روم گر نروم، نیستم" هستی در اصل یک جریان سیال و متداوم است. ازینکه اشیا را نمی توان ثابت و غیر متحرک در نظر گرفت پس هستی به معنای بودن و وجود داشتن وجود ندارد، زیرا ما نمی توانیم از موجودیت شی و اشیا که بلاوقفه از لحاظ کمی و کیفی در تغییر و تحرک و تبادل اند، سخن بگوییم و چنان هستی را متصور گردیم. این قاعده بدون استثنا در تمام اشیا و پدیده های جهان هستی قابل انطباق است و با کمی دقت و تأمل می توان به این باور اتکا کرد. حضرت مولانا در بیتی همین اندیشه را به چه زیبایی به تصویر کشیده است:

هر دم ازین باغ بری می رسد

تازه تر و تازه تری می رسد

رؤیت و هستی جهان در ناثباتی و تغییرات بلاوقفه اش است، اما جهان ثابت و لایتغییر فقط در اذهان دُغم بعضی انسان ها جا دارد که بنابراین منکر دنیای ثابت و نامتحرک و نامتغییر نیز نباید بود. امیدوارم علم و دانش بشری روزی بتواند در لابراتوار های تحقیقی و پژوهشی با شکافتن و دریافت کوچکترین ذرات و شناخت خواص آنها و با تماشای اسرار پیچیده اش،

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

هستی را در نیستی و نیستی را در هستی به تجربه دریابند همانگونه که من از طریق سیر فکر و اندیشه،  
هستی را در نیستی و نیستی را در هستی به تماشا نشسته ام.

نوت: در پیوند به باورهای فلسفی ام در رابطه به جهان و زمان تحت عنوان "میل تحرک به تبادل" نوشته  
هایی دارم که تا حال دو مقاله و نوشته کوتاه از آن دست را به وب سایت افغان جرمن و نیز صفحه  
فیسبوکم به نشر سپرده ام و آنها را به دوست شفیق و حامی ام "سردار عبدالوهاب خان" اهدا کرده ام.

لینک آرشیف محترم محمد صالح گردش

<http://www.afghan-german.com/tahLiLha/EditAutor.aspx?90>

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ